

به گفته مرشد میرزاعلی، هنر نقالی ظرفی است که می‌توان در هر زمینه‌ای از آن جهت انتقال مفاهیم به مخاطبان استفاده و فرهنگسازی کرد. هنر نقالی مجموع تمام هنرها را داخل خود دارد اما متاسفانه ارگان‌های پیشرو اعم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و... کمتر به آن بها می‌دهند

مرشد محسن میرزاعلی از ویژگی‌های امسال جشنواره پرده خوانی و نقالی غدیر می‌گوید

عظمت مباحله به روایت نقالان



تشویق بسیار و امی داشت. در بخش نوجوان ۱۰ اثر و در بخش بزرگسال هم ۱۰ اثر انتخاب شدند که به طور مجزا از بخش کودکان با یکدیگر به رقابت پرداختند. چون از نظر ما همین که کودکی به این جشنواره راه پیدا کرده برنده است و نباید درگیر رقابت شود اما میان نوجوانان و بزرگسالان شاهد رقابت بین خانم‌ها و آقایان بودیم. عده‌ای از ما می‌پرسند که چرا تفکیک جنسیتی بین رقبا قائل شدید. به دلیل استعداد و توانایی متفاوتی که خانم‌ها و آقایان با یکدیگر دارند میان رقابت تفکیک جنسیتی قائل شدیم و در نظر داشتیم عدالت بین تمام افراد شرکت‌کننده رعایت شود. حتی جالب است بدانید امسال برای اولین بار اهل تسنن برای ما اثر ارسال کردند و این نکته حائز اهمیت است؛ چرا که این تبلور خود امیرالمومنین است که دارند دل‌ها را روشن می‌کنند.

اهمیت مباحله در فرهنگ شیعی

مرشد میرزاعلی در پاسخ به این پرسش که هدف از افزودن بخش مباحله به بزرگ‌ترین رویداد هنری نقالی چه بوده، تصریح می‌کند: فکر می‌کنم از غدیر تا مباحله را باید ایام ولایت قرار بدهند. شاید ۱۰ روز نشود اما اینجا بحث ولایت و وصایت امیرالمومنین (ع) مطرح است که یکی از مهم‌ترین مباحث شیعیان است. علی (ع) نفس و جان پیامبر اکرم (ص) است. غدیر سند حقانیت و مظلومیت شیعه است، مظلومیت به این خاطر که تمام

چند سالی است به همت حوزه هنری، جشنواره پرده خوانی و نقالی در ایام منتهی به عید سعید غدیر خم در تهران برگزار می‌شود و گروه‌های زیادی از نقالان پیشکسوت و جوان که در سراسر کشور، چراغ این هنر اصیل و مردمی را زنده نگه داشته‌اند، به تهران می‌آیند و هنرشان را در برابر چشم مردم و رسانه‌ها عرضه می‌کنند. این جشنواره که در سال‌های اخیر، چهره‌های جدید و با استعدادی در حوزه نمایش‌های آیینی و نقالی به کشور معرفی کرده است، امسال با یک اتفاق و ابتکار تازه همراه بوده است، اضافه شدن بخش مباحله. درباره این ابتکار و نتایج آن با مرشد محسن میرزاعلی که خود از چهره‌های مهم و تأثیرگذار این هنر ملی و آیینی است، هم‌کلام شده‌ایم.

چهارشنبه گذشته روز آخر اجرای ما در میدان ولی عصر بود و خوشبختانه با استقبال بسیار خوب مواجه شد. ۲۱۰ اثر اولیه به دبیرخانه ارسال شد که داورانی حرفه‌ای از این بین، ۵۰ اثر را به مرحله بعد و در نهایت ۳۳ را که ۱۳ عدد از آنها مختص به کودکان بود، انتخاب کردند.

آثار با کیفیتی دیدیم

او با تأکید بر کیفیت بالای آثار حاضر در جشنواره ادامه می‌دهد: بسیار خوشحالم از کیفیت آثاری که دیدم. حتی کودکی پنج ساله در این جشنواره حاضر بود که بیش از ۴۱۵ بیت شاهنامه، اشعار سعدی و مناقب حضرت علی (ع) را از بر داشت و به قدری بی‌بیانی رسا و مسلط اجرا می‌کرد که حاضران را به

متاسفانه آن‌طور که باید به مباحله پرداخته نشده اما هنر نقالی این ظرفیت را دارد که این اتفاق مهم برای شیعیان را به گوش جهانیان برساند



ساناز قنبری
گروه ادب و هنر

شعر امروز

امیرعلی سلیمانی

زمان امتحان

درست این سو حجاز، آن سو یمن، این خاک نجران است
تماشا کن! زمان امتحان اهل ایمان است

رسیده حضرت خورشید با آیات نورانی
بخوان! این ماجرا تفسیر ناب آل عمران است

بگو انجیل بردارند و با ایمان ببندیشند
کلید ماجرا در آیه‌های پاک قرآن است

بگو هراه در این خاک جز اسلام بیراهه است
در این خانه باز و صاحب این خانه رحمان است

به اصحاب پیمبر احتیاجی نیست، این میدان به یمن اهل بیتش شب که می‌آید چراغان است

چرا نفرین؟ به قدر آه کوتاه رسول...!

اگر تقدیر برگردد جهان با خاک یکسان است

رسیده لحظه تصمیم و چشم مردم نجران
پریشان است و پیوسته به لب‌های بزرگان است

اگر تصمیم بر جنگ است پیروزی میسر نیست
اگر تصمیم بر صلح است پس اسلام میزان است

به چشم عشق معنای بشارت را نفهمیدند
که خود پیداست از آغاز عیسی هم مسلمان است

جماعت روبه روی خاتم اینک سرفرو آرید
که هم پایان آغاز است و هم آغاز پایان است



فاطمه نانی‌زاد

آسمان هم دیده...

آسمان هم دیده صحرا را، تماشایی شده
زمزمه کرده‌ست این صحرا چه صحرایی شده

می‌رسد از جانب یثرب سپاه آفتاب
آن طرف از جانب نجران صف‌آرایی شده

آب آورده‌ست و آیین، گلاب و مشک تر
نور را آورده و تطهیر؛ غوغایی شده

سیر آفاق ست و انفس در بیان متقن ش
هر نسیمی می‌وزد اینجا، مسیحایی شده

دست‌های روشن باران و شوق ربنا
در تجلی باز هم آیات شیدایی شده

می‌رود در هم بیچید روزگار منکران
در میان لشکر نجران چه بلوایی شده

اسقف اعظم به قومش گفت: برگردید؛ نه!
هان! هلا! این معرکه میدان رسوایی شده



آسمان‌ها در کف دست محمد دینی ست
چشم‌هایش، چشم‌هایش... آه... دریایی شده